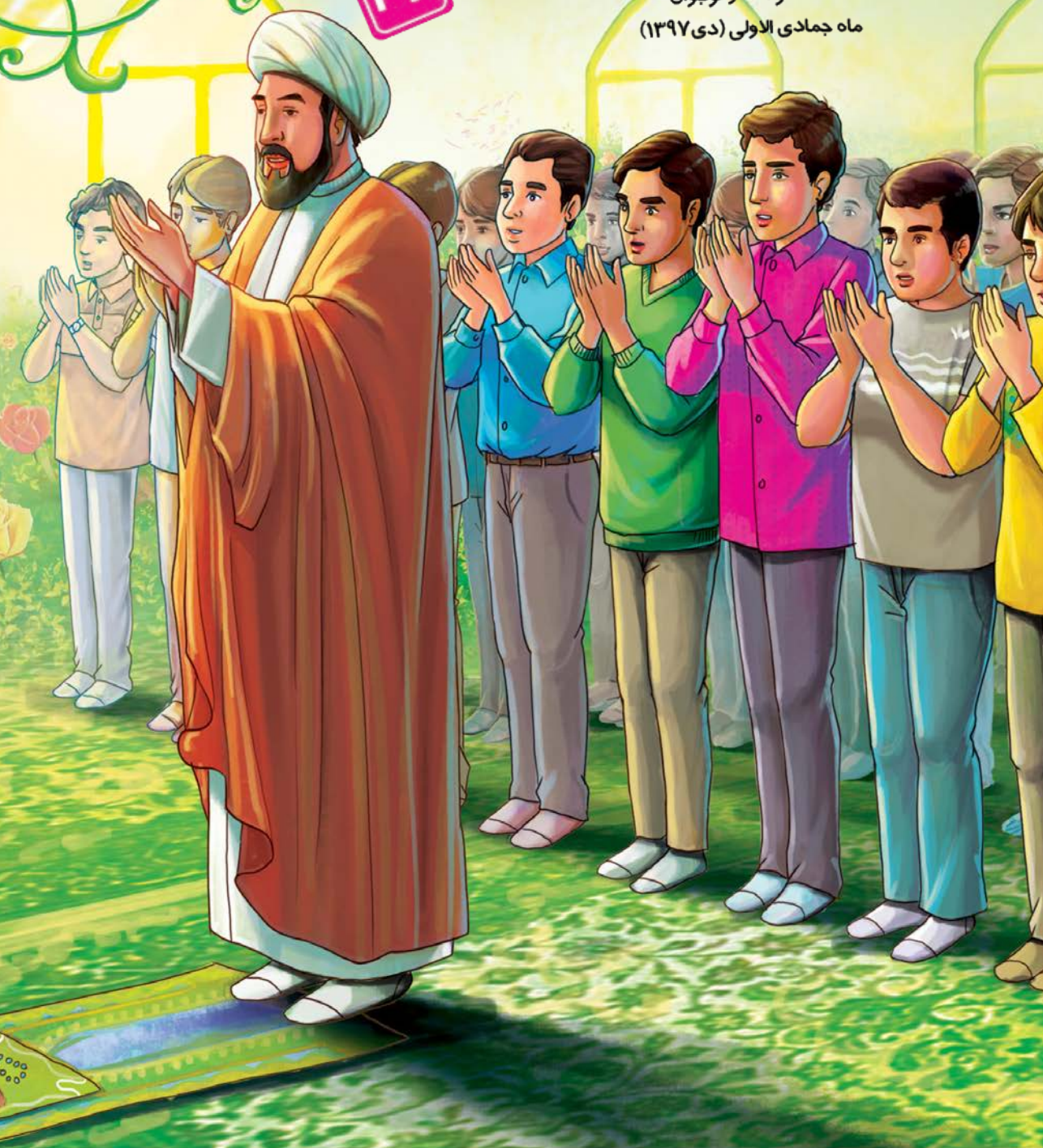


بچه‌های مسجد

۳۳

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه جمادی الاولی (دی ۱۳۹۷)



فهرست مطالب

۷ بچه‌های می‌پرسند 	۶ چیستان 	۳ مقدمه 
۲۶ نقاش باشی 	۲۲ طعم صلوات 	۱۲ نماز با اخلاص 

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۶-۸۷-۵

سر دبیر: محمد آبدنگچی

تصویرگر: فهیمه حقیقی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: ۱۵۰۰۰ جلد

عنوان: بچه‌های مسجد

پدیدآور: معاونت آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

ناشر: مشهد، انتظار مهر ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: دا ۳۰۰ ن ۵۴۹ ب ۱۳۹۴



سخن سرديير

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام به همه شما بچه های مسجدی؛
بچه های عزیزم، از همراهی همه شما با نشریه خودتون
تشکر می کنم، مخصوصا از آن دسته از عزیزانی که با ارسال
پاسخ مسابقه، لطیفه و چیستان و همچنین دلنوشته، همراهی
خودشون را به ما نشان می دهند.
از شما می خواهم باز هم نظرات سازنده خودتون در مورد
نشریه را برای ما ارسال کنید و برای ما بنویسید که دوست
دارید توی نشریه «**بچه های مسجد**»
چه بخش های وجود داشته باشه.

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

سایت بچه های مسجد:

bachehaye-masjed.ir



محدثه بینا از روستای بیمرغ مسجد حضرت جواد الائمه (علیه السلام) شهرستان گناباد گفته:
باسلام و خسته نباشید خدمت شما و همکارانتان. کتاب بچه های مسجد خیلی کتاب
آموزنده ای است اگه میشه بیشتر در مورد زندگی نامه امامان (علیهم السلام) بنویسید تا بیشتر
با زندگی امامان (علیهم السلام) آشنا شویم.

یکی از بچه های عزیز که نامشان را نوشتند برای ما اینطور نوشتند: سلام، من
دانش آموز کلاس چهارم و با درس خواندن خوب خود می توانم آینده ای درخشان
برای کشورم رقم بزنم.

خیلی از شما بچه ها برای ما پیامک فرستادید اما به علت تعداد زیاد این پیام ها امکان
اینکه پیام همتون رو چاپ کنیم وجود نداره اما نام بعضی از شما را می نویسیم تا
متوجه بشید ما همه پیام های شما را می خوانیم.

ریحانه مرادی از مسجد جواد الائمه (علیه السلام) شهرستان بردسکن، امیر علی عبدی از مسجد
الرسول (صلی الله علیه و آله) شهرستان بشرویه، امیر حسین خیراندیش از مسجد حضرت فاطمه زهرا
سلام الله علیها شهرستان فردوس، زکیه و احمد رضا نوری از مسجد خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) شهرستان
تربت جام، علی ابراهیم بای و الیاس حسینی از مسجد صاحب الزمان (علیه السلام) شهرستان
سلامی، متین زمانی از مسجد صاحب الزمان (علیه السلام) روستای کردیان، محمد مختاری نژاد از
شهرستان سه قلعه، مریم براتی از مسجد الحجه (علیه السلام)، ام البنین حسان از مسجد پنجتن
آل عبا (علیهم السلام)، امیر حسین مهدی از روستای ساق، عرفان داورزنی و هادی نهاردانی و
محمد امین داورزنی از مسجد قبا شهرستان داورزن، ستایش جهانی و نیکا نوروزی از
درگز و صدها نفر دیگر از شما عزیزان.





بچه های خوب مسجد جامع روستای اقبالیه واقع در شهرستان فیروزه.



سلام بچه ها

شما هم تصاویر بچه های مسجرتون را برای ما ارسال کنید تا در نشریه خودتون چاپ بشه. آدرس ما در پیام رسان سروش:

چیستان

آن چیست که چه پُر باشد و چه خالی وزنش یکی است؟؟

آن چیست که پدر و پسر دارد اما مادر ندارد؟

اوسالی از طرف علی ابراهیم بای و الیاس حسینی از شهرسلامی مسجد صاحب الزمان علیه السلام

آن چیست که چیستان است که یکی است و همیشه با تو است؟

ارسالی از مصطفی شیردل از شهرستان خواف شهر سلامی

مسجد صاحب الزمان علیه السلام

آن چیست که آسمانش سبز و شهرش قرمز و مردمانش سیاه است؟

ارسالی از طرف مرقسی عبدلی سلامی مسجد صاحب الزمان علیه السلام

شما هم چیستان های خود را برای ما بفرستید:

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۰۳

پاسخ چیستان نشریه شماره

۳۲

توت، خدا، جارو

بعضی از بچه ها می پرسند... آیا موجودات فضایی واقعا وجود دارند؟

همانطور که می دانید خداوند بزرگ سیارات و کرات بسیار زیادی را خلق کرده است که ما تنها بخش بسیار کوچکی از آن را می شناسیم و از دیگر بخش های این جهان بی کران بی خبریم. انسان ها از قرن های گذشته تاکنون در جست و جوی موجودات غیر زمینی بودند و در این بین بعضی از افراد هم مدعی دیدن این موجودات بودند اما هنوز وجود چنین موجوداتی اثبات نشده است و تمام حرف ها درباره وجود چنین موجوداتی صرفا حدس و گمان است اما هیچ عاقلی احتمال وجود چنین موجوداتی را رد نمی کند. شاید علم بشر در آینده بتواند در مورد این مطلب نظر دقیقتری ارائه کند..



سوالات خود را از ما بپرسید.
سامانه پیامکی:
۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

شکمم قار و قور می کنه!

در کلاس نشسته اید و شکمتان کم کم شروع به قار و قور کرده است. بالاخره زنگ می خورد و موقع ناهار می شود. به به! بعد از این همه مدت که تو کلاس نشسته اید دلتان می خواهد که یک ناهار خوب و حسابی بخورید، سریع به خانه می روید و بو می کشید تا ببینید مادرتان چه غذایی درست کرده است.

دستان خود را می شوید و لباستان را عوض می کنید و کمک می کنید مادرتان غذا را روی سفره بچیند و سپس پای سفره می نشینید و منتظر می شوید پدر غذا را بکشد و غذای خوشمزه را بخورید اما باید بدانیم که غذا خوردن آدابی دارد که اگر رعایت نشود باعث بیماری و مشکلات گوناگونی برای ما خواهد شد. برخی از این آداب عبارت اند از:

- ۱- شروع غذا با «بسم الله» تا شیطان با ما در خوردن آن غذا شریک نشود؛
- ۲- شستن دست ها پیش از غذا خوردن تا میکروب ها وارد بدن ما نشوند؛
- ۳- کمی انتظار برای سرد شدن غذا چون غذای داغ باعث بیماری می شود؛
- ۴- فوت نکردن غذا چون اینکار ما را مریض می کند؛
- ۵- غذا را با مقدار خیلی کمی نمک شروع کنیم و بین غذا و بعد از غذا آب ننوشیم.
- ۶- یک قاشق مانده به اینکه سیر شویم باید دست از غذا خوردن بکشیم تا سلامت بمانیم؛
- ۷- در انتها باید از مادر یا هر کسی که غذا را درست کرده تشکر کنیم؛
- ۸- علاوه بر تشکر از مادر، از خدای مهربان تشکر کنیم و بگوئیم «الحمد لله» چون در همه حال مهمان سفره او (مادی و معنوی) هستیم.



سحرخیز باش تا کامروا شوی

روزی و روزگاری بر ایران شاهی فرمانروایی می کرد به نام "انوشیروان" که وزیری دانا و خردمند به نام "بزرگمهر" داشت.

"انوشیروان" شاه ایران، بسیاری از شب ها تا دیروقت بیدار می ماند برای همین صبح، خیلی دیر به تالار قصر می آمد. بزرگمهر به او گفت: "قربان، چرا شب ها دیر می خوابید؟ دیر خوابیدن شب، دیر برخاستن صبح را به دنبال دارد. بهتر است که شاه، شب ها زود بخوابد و صبح ها هم زود از خواب برخیزد."

شاه با غرور و خودخواهی پرسید: "چرا وزیر؟" بزرگمهر خیلی آرام گفت: "برای آن که گفته اند، **سحرخیز باش تا کامروا باشی.**"

این حرف وزیر، شاه را آزرده؛ شاه با خودش قرار گذاشت کاری کند تا بزرگمهر از این حرف خودش پشیمان شود. این شد که فردا، در تنهایی چند تن از گماشتگان و ماموران خودش را خواست و به آنها گفت: "می خواهم سحرگاه فردا، دور از چشم این و آن، وزیر مرا در راه بگیرید و لباس رسمی از تن او بیرون کنید تا ادب شود"

سحرگاه فردا رسید. هوا، نیمه روشن بود که آن افراد جلوی بزرگمهر را گرفتند. آنها لباس های رسمی وزیر را از تنش درآوردند و او را با لباس ساده ای به حال خود رها کردند و رفتند.

"بزرگمهر" از نیمه راه خسته و کوفته به خانه بازگشت و دیرتر به قصر رفت. "انوشیروان" به او گفت: "تو که ما را به سحرخیزی دعوت می کردی، خودت چرا این قدر دیر پیش ما آمدی؟"

وزیر که فهمیده بود شاه کارهایی کرده، ماجرا را تعریف کرد. شاه خندید و گفت: "این هم از فایده سحرخیزی! بگو بدانم باز هم می گویی که سحرخیز باش تا کامروا باشی؟!"

وزیر دانا گفت: "قربان، روشن است که دزدی کار ناپسندی است؛ ولی اگر آن دزدان هم سحرخیز نبودند، کامروا نمی شدند. آنها پیش از من از خواب برخاستند و به آن چه که می خواستند، رسیدند.

پس باز هم می گویم که: **"سحرخیز باش تا کامروا باشی."**



نماز با اخلاص



بچه های عزیزم، حتما می دانید که نماز ما باید فقط برای خداوند باشد نه برای خوش آمدن دیگران. اگر ما عبادتی را برای خوشآمد دیگران انجام دهیم به این کار «ریا» می گویند و جزو گناهان بزرگ است.

روزی روزگاری، مردی به مسجدی رفت تا نماز بخواند، آن شب باران می آمد، و در مسجد کسی نبود. ناگهان صدائی در گوشه ای د، با خود گفت: حتماً شخصی وارد مسجد شد، خوشحال گردید



که آن شخص فردا می‌رود و به مردم می‌گوید این آدم چقدر آدم خوبی است، وقتی که هوا روشن شد و به آن کسی که وارد شده بود، زیر چشمی نگاه کرد، دید آدم نیست بلکه سگ سیاهی است که بر اثر رعد و برق و بارندگی شدید، نتوانسته در بیرون بماند و به مسجد پناه آورده است. یعنی او برای خوش آمدن یک سگ عبادت کرده بود و از این کارش شدیداً پشیمان شد.

ما هم تلاش کنیم فقط برای رضای خدا نماز بخوانیم نه دیگران.

به دیدار بزر
متنها در دیدار کردن



نویسنده: MENELIR

در مهمانی

هله هوله‌های
در میل کردن، د

البته قاف
ولی اون د



در مهمانی‌ها مؤدبانه رفتار کنید...

به به! سلام.
خوش اومدین...

جیگر تو خام خام!!

1

قبل از رفتن به مهمانی، از یک بزرگتر
روش خوردن هندوانه را بپرسید...

خب ما دیگه رفع زحمت می‌کنیم.
ممنون از پذیرایی‌تون!!

6

۱۴

بگترها بروید.
زیاده روی نکنید...

پسر! دیگه نزدیکی
اسفنده.
نمی‌خوای
بری خونه
خودتون؟!!



۲

در مهمانی جوری رفتار کنید که پدر و مادر
مجبور به عذرخواهی نشوند...

اوا خاک به سرم!! چیزی نیست. یه آشنای
صافکار دارم براتون بدون رنگ درش میاره!



۳

مهمانی وقت معاشرت است.
گوشی موبایل را یک شب کنار بگذارید...

این چرا همچینه؟؟؟!

گوشی‌ش رو گذاشته دم در.
از همینجا چک می‌کنه!!



۴

نوع متنوع زیادند.
وقت بفرمایید...

بل شما رو نداره.
یگه خوردنی نبود!!!



۵



امام صادق علیه السلام: هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند،
قرآن با گوشت و خونس می آمیزد و خداوند عزوجل او را همنشین
فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می دهد و قرآن نگهبان او در روز
قیامت، خواهد بود. (کافی، ج ۲، ص ۶۰۳)



چطور یک گلدان زیبا درست کنیم؟

برای ساختن یک گلدان زیبا یک بطری نوشابه را از وسط نصف کرده و مانند شکل زیر برش می زنیم. سپس آن را رنگ آمیزی کرده و روی آن نقاشی می کنیم. قسمت بالای بطری را درون قسمت پایینی بطری قرار می دهیم و سپس درون آن مقداری خاک مناسب ریخته و گل خود را درون آن می کاریم مانند اشکال زیر.

حتما شما هم گلدان زیبای زیر را بسازید و تصویر کاردستی خود را برای ما در پیام رسان سروش ارسال کنید.

@masjed_k_h



در یکی از روستاهای زیبای ایران زمین، پسری به نام محسن زندگی می کرد. او هر روز به مکتب می رفت و مطالب زیادی می آموخت و از یاد گرفتن این مطلب خوش حال بود و آنها را برای دوستانش هم تعریف می کرد. او داستان «خر باهوش» را خیلی دوست داشت و آن را برای دوستش تعریف کرد و گفت: یکی بود یکی نبود، یک مرد روستایی بود که یک کوله بار روی خرش گذاشت و خودش هم سوار شد تا به شهر برود. خر پیر و ناتوان بود و راه هم دور و ناهموار بود و در صحرا پای خر به سوراخی رفت و به زمین غلطید. بعد از اینکه روستایی به زور خر را از زمین بلند کرد معلوم شد پای خر شکسته و دیگر نمی تواند راه برود.

روستایی کوله بار را به دوش گرفت و خر پا شکسته را در بیابان ول کرد و رفت. خر بدبخت در صحرا مانده بود و با خود فکر می کرد که «یک عمر برای این بی انصاف ها بار کشیدم و حالا که پیر و دردمند شده ام مرا به گرگ بیابان می سپارند و می روند.» خر با حسرت به هر طرف نگاه می کرد و یک وقت دید که راستی راستی از دور یک گرگ را می بیند.

گرگ درنده همینکه خر را در صحرا افتاده دید خوشحال شد و فریادی از شادی کشید و شروع کرد به جلو آمدن تا خر را شکار کند و بخورد.

خر فکر کرد «اگر می توانستم راه بروم، دست و پایی می زدم و کوششی می کردم و شاید زورم به گرگ می رسید ولی حالا هم نباید نا امید باشم و تسلیم گرگ شوم. پای شکسته مهم نیست. تا وقتی مغز کار می کند برای هر گرفتاری چاره ای پیدا می شود.»

نقشه ای کشید، همینکه گرگ به او نزدیک شد خر گفت: «ای سالار درندگان، سلام. گرگ از رفتار خر تعجب کرد و گفت: «سلام، چرا اینجا خوابیده بودی؟» خر گفت: «نخوابیده بودم بلکه افتاده بودم، بیمارم و دردمندم و حالا هم نمی توانم از جایم تکان بخورم. این را می گویم که بدانی هیچ کاری از دستم بر نمی آید و کاملاً در اختیار تو هستم ولی پیش از مرگم یک خواهش از تو دارم.»

گرگ پرسید: «خواهش؟ چه خواهشی؟»

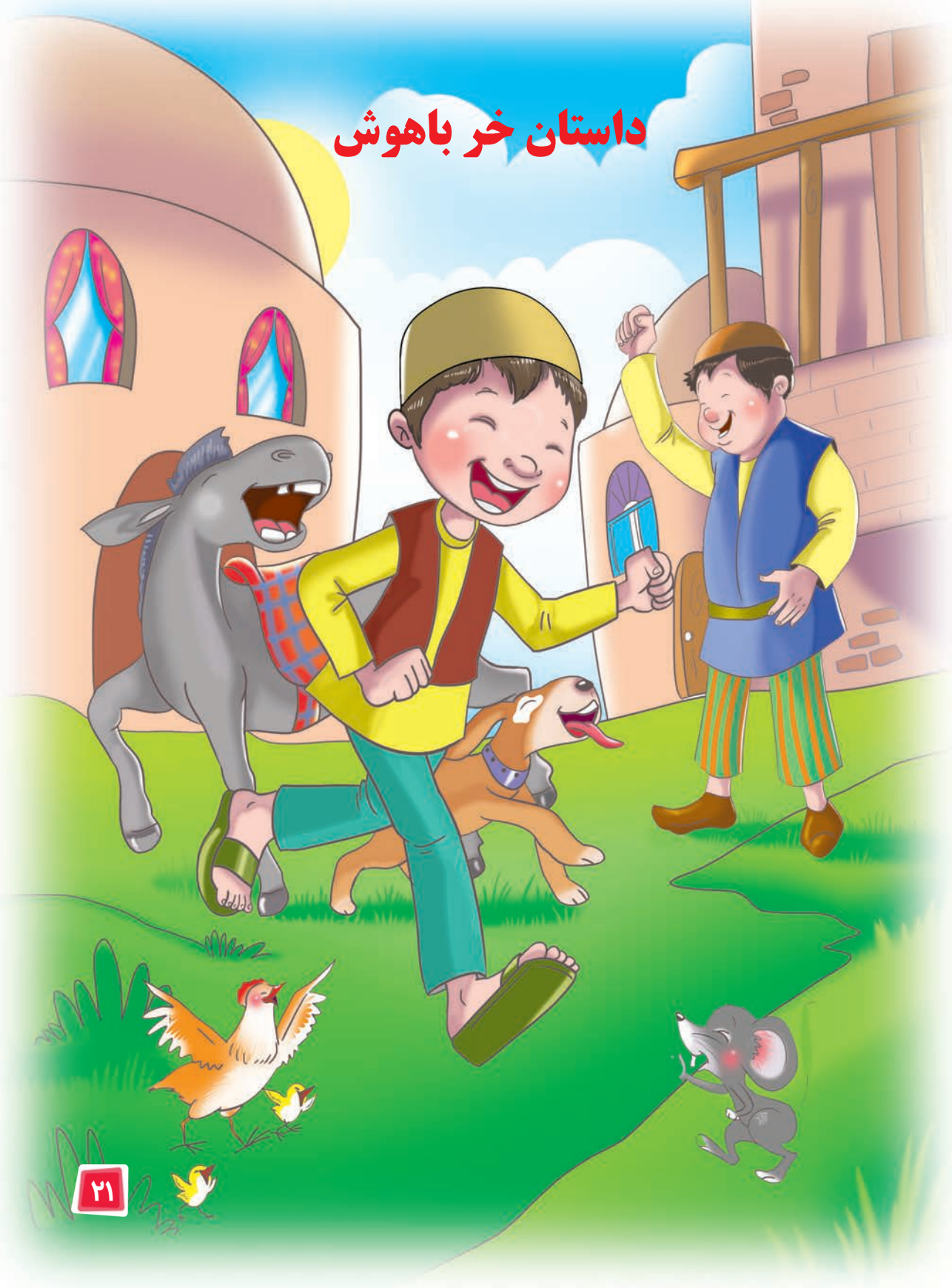
خر گفت: «بین ای گرگ عزیز، قبل از خوردن من اندکی به من آب بده من در عوض این بزرگواری تو، نعل های طلای خود را به تو می دهم تا ثروت مند شوی»

گرگ گفت: «خواهشت را قبول می کنم» و مقداری آب به خر داد و خر نوشید. خر گفت: «ای گرگ عزیز، بیا نعل های طلای مرا از پایم جدا کن و بعد مرا بخور»

گرگ هم به طمع افتاد و رفت تا نعل خر را تماشا کند و از پایش در بیاورد. اما همینکه به پاهای خر نزدیک شد خر لگد محکمی به پوزه گرگ زد و دندانهایش را در دهانش ریخت و دستش را شکست و گرگ از درد و ترس فرار کرد.

و دیگر هوس گوشت خر نکرد.

داستان خر باهوش



روزی از روزهای گرم تابستان، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و حضرت امام علی ﷺ در سایه درختی در نخلستان نشسته بودند و مشغول صحبت بودند که ناگهان زنبور کوچکی آمد و مثل پروانه به دور سر آن حضرت گردید و با زبان خود با رسول خدا ﷺ صحبت می کرد. پیامبر ﷺ به امام علی ﷺ فرمود:

علی جان، می دانی که این زنبور چه می گوید؟ او می خواهد که ما را مهمان کند و می گوید: در فلان جا مقداری عسل قرار داده ام و به امیرالمؤمنین ﷺ بگوئید تا آن را بیاورد و از آن میل کنید و از اینکه چیز دیگری برای هدیه دادن ندارد عذرخواهی می کند. امام علی ﷺ به فرموده پیامبر ﷺ آن عسل را آورد و از آن عسل شیرین و خوب میل کردند. آن زنبور کوچک هم از اینکه می دید پیامبر و امام علی ﷺ هدیه او را قبول کردند خیلی خوشحال بود. پیامبر ﷺ از همان زنبور عسل پرسید: ای زنبور عسل، شکوفه ای گل ها و درختان تلخ هستند و شما از آن ها می خورید. چطور این غذای تلخ را تبدیل به عسل شیرین می کنید؟ زنبور پاسخ داد: هر وقت مقداری شکوفه می خوریم، در آن لحظه از طرف خداوند مهربان به ما وحی می شود که سه مرتبه به شما صلوات بفرستیم و به برکت صلوات بر شما آن شکوفه تلخ در شکم ما شهد شیرین می شود.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

طعم صلوات





کوثر

۱- کدام سوره به «مادر قرآن» معروف

است؟

۲- داستان «گوساله پرستی بنی

اسرائیل» در کدام سوره بیان شده

است؟

۳- سوره ای که نامش به معنای سپیده

صبح است؟

۴- قرآن چند جزء دارد؟

۵- کدام سوره است که با بسم الله

شروع نشده است؟

۶- کوچک ترین سوره قرآن چه نام

دارد؟

۷- بلندترین سوره قرآن چه نام دارد؟

حمد

بقره

توبه



سوالات قرآنی

۳۰

۷

۵

۴

۶

پاسخ
ها را به ترتیب برای
ما پیامک کنید

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

فلق

۲۵

قلاش كنيد پس از يافتن سايه نقاشي ها، آن ها را با
مداد كشيده و رنگ كنيد. قلاش كنيد از رنگ هاي
مناسب براي نقاشي استفاده كنيد.



ققاش باشي



سوالات مسابقه جدول شماره ۳۳

- ۱- طعم شیرین عسل از چیست؟
- ۲- سحرخیز باش تا شوی.
- ۳- عبادت کردن برای اینکه دیگران ببینند نام دارد.
- ۴- سوره ای که در همه نمازها باید خوانده شود چه نام دارد؟
- ۵- پس از غذا باید از مادر..... کنیم.

					۱
			۱		۲
			۲		۳
			۳		۴
۴					۵

رمز

جدول را به همراه
نام، نام خانوادگی، مسجد
و شهرستان برای ما ارسال
کنید:
۳۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

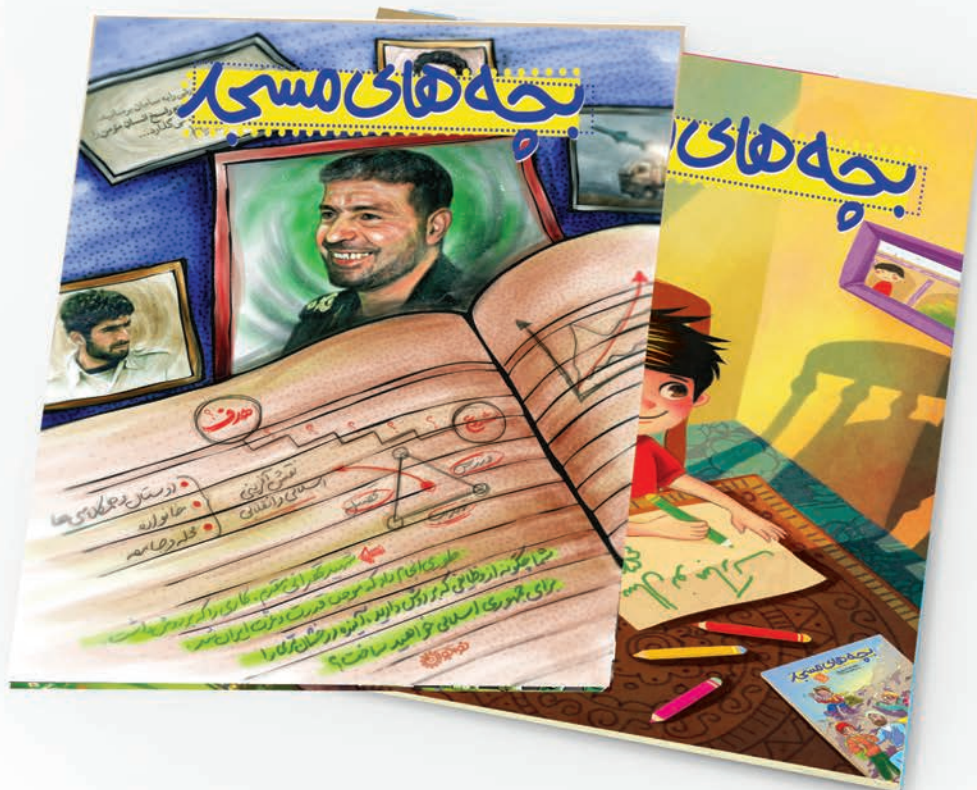
رمز جدول

شماره ۳۲:

سجده

اسامی برندگان:

۱. سید هادی زاهدی، مسجد جوادالائمه عجل الله تعالی فرجه، مشهد مقدس.
۲. فاطمه جهانی، مسجد امام حسن مجتبی عجل الله تعالی فرجه، بجنورد.
۳. کوثر سلیمانی، مسجد امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه، تربت جام.
۴. حمیده تبسم، مسجد الحجه عجل الله تعالی فرجه، بیرجند.
۵. علیرضا نیک نژاد، مسجد امام جواد عجل الله تعالی فرجه، مشهد مقدس.
- ۶- سید مهدی عظیمی، مسجد حضرت معصومه سلام الله علیها، گلبهار.
- ۷- فاطمه اسماعیلی، مسجد غفوری ها، سبزوار.
- ۸- حدیثه احمدی، مسجد امام هادی عجل الله تعالی فرجه، بیرجند.



نشریه **بچه‌های مسجد**، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.

شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را به سامانه پیامکی **۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳** ارسال نمائید.

